



Belief and Social Reasons for Using Niqab among Sunni of Baloch Women: A Case Study of Zahedan City

Masoumeh Hasanpour ¹ | Soodeh Maghsoodi²

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.1.7.6

Abstract

Niqab is one of the most common coverings of Muslim women, which is used in some Muslim countries, including Iran, Afghanistan and Pakistan. What is important in this regard is to pay attention to the messages in this type of clothing among Muslim women. The aim of the current research was to study the religious and social reasons for using the niqab among Baloch Muslim women in Baluchistan region. The present study was conducted using the qualitative research method and adopting the phenomenological approach in 2018. Data were collected through in-depth and semi-structured interviews with 12 veiled women by purposive sampling. The collected data were coded, categorized and analyzed. The findings of the research showed that the theme of belief with three sub-concepts was protecting men's attention, obtaining happiness and divine satisfaction, and public modesty. The social theme included seven concepts of habituality, following the traditional family structure, matching with the community, feeling power, feeling freedom, gaining dignity and respect, and feeling security and peace. According to the findings of this research, it can be concluded that the niqab is not just a cloth, but can be an important means of conveying the meaning, identity and values of people. Niqab not only has a personal and religious meaning, but also represents collective identity.

Keywords: Religious and Social Implications, Niqab, Sunni of Baloch Women, Zahedan

1. Master's degree, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahnerkerman University, Kerman, Iran.
2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonerkerman University, Kerman, Iran. smaghsoodi@uk.ac.ir

Reference: Hasanpour, M; Maghsoodi, S. Belief and social reasons for using niqab among Sunni Baloch women: a case study of Zahedan city, The Women and Families Cultural-Educational, 66(1), 11-31.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



دلایل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب در بین زنان بلوچ اهل سنت: مطالعه موردی شهر زاهدان

معصومه حسن پور^۱ | سوده مقصودی^۲ ID

۶۶

سال نوزدهم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳
صص: ۱۱-۳۱

شابا چاپی: ۶۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



چکیده

نقاب یکی از رایج‌ترین پوشش‌های زنان مسلمان است که در برخی کشورهای مسلمان از جمله ایران، افغانستان و پاکستان استفاده می‌شود. آنچه در این خصوص اهمیت دارد توجه به پیام‌های موجود در این نوع پوشش در میان زنان مسلمان است. هدف از پژوهش حاضر، مطالعه دلایل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب در میان زن مسلمان بلوچ در منطقه بلوچستان بود. مطالعه حاضر با روش پژوهش کیفی و با اتخاذ رویکرد پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از زنان نقاب پوش با نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری شدند. اطلاعات جمع‌آوری شده کدگذاری، دسته‌بندی و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد، مضمون اعتقادی با سه مفهوم فرعی محافظت از توجه مردان، کسب سعادت و رضایت الهی و عفت و حیای عمومی بود. مضمون اجتماعی شامل هفت مفهوم عادت‌واره، پیروی از ساختار سنتی خانواده، هم‌رنگی با جماعت، احساس قدرت، احساس آزادی، کسب عزت و احترام و احساس امنیت و آرامش بود. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نقاب فقط یک پارچه نیست بلکه می‌تواند وسیله مهمی برای انتقال معنا، هویت و ارزش‌های افراد باشد. نقاب صرفاً دارای معنای شخصی و مذهبی نیست بلکه نشان‌دهنده هویت جمعی نیز هست.

کلیدواژه‌ها: دلالت‌های اعتقادی و اجتماعی، نقاب، زنان بلوچ اهل سنت، زاهدان

۱. کارشناس ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
smaghsoodi@uk.ac.ir

استناد: حسن پور، معصومه؛ مقصودی، سوده. دلایل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب در بین زنان بلوچ اهل سنت: مطالعه موردی

شهر زاهدان، ۶۶(۱)، ۱۱-۳۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.1.7.6

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

از ابتدای خلقت پوشش بدن به عنوان یکی از نیازهای اولیه بشر به شمار می‌رفته و با گذشت زمان و رشد انسان، طرح لباس، جنس و حالت آن نیز تغییر پیدا کرده و در کنار سایر جنبه‌های زندگی بشر به پیش رفت خود ادامه داده است. پوشش بدن، متناسب با شرایط اقلیمی تغییر و همراه با پیشرفت تمدن، فرهنگ و متناسب با آداب و رسوم و اعتقادات مردم دگرگونی‌های بی شماری را در طول تاریخ داشته است. عوامل اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات نیز در تکامل و تنوع پوشش انسان نقش بسزایی داشته است (کاظم پور و همکاران ۱۳۹۷: ۱). قاندى شرفى (۱۳۷۸) بیان می‌کند لباس مانند خط یا زبان، نماد فرهنگ به شمار می‌رود. همانطور که گفتار و نوشتار شیوه‌هایی هستند که به کمک آن‌ها می‌توان معانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را بیان کرد و هر جامعه‌ای خط و زبان مختص به خود را داراست، شکل و فرم و رنگ پوشاک نیز دارای معانی خاصی است که بستگی به فرهنگ جامعه دارد (زارع و رهبرنیا، ۱۳۹۵: ۵). لباس یک ابزار شناسایی است که به نوعی در آشکارسازی هویت اجتماعی و فرهنگی نقش دارد (آکدمیر^۱، ۲۰۱۸: ۸۹). بنت^۲ (۲۰۰۵) معتقد است که لباس و مد یکی از کانال‌هایی است که افراد از طریق آن می‌توانند به راحتی هویت خود را نشان دهند (نوه و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۱۲).

در ایران، حجاب و پوشش کامل زنان یکی از هنجارهای کهن و از سنت‌های ملی و دینی بوده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰). پیش از دوره صفوی، گروهی از زنان در نواحی جنوب سرزمین ایران، نوعی پوشش داشتند که سراسر بدنشان و یا فقط چهره‌شان را می‌پوشاند. شاردن^۴ (۱۳۳۵) در سیاحت‌نامه خود در مورد حجاب زنان ایرانی دوره‌ی شاه سلیمان صفوی می‌نویسد: «زنان دستمال (روبند) بر روی صورت می‌نهند که مخصوص مساجد و معابد می‌باشد. این دستمال (روبند) یا حجاب، شبکه‌ای به‌مانند دستباف نیم دار و یا توری، در مقابل چشمان دارد که برای دیدن تعبیه شده است (شاردن به نقل از محبتی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). بنابراین نقاب مترادف با حجاب صورت است که همزمان دارای معنای فرهنگی و مذهبی و نشانه‌ای از هویت دینی است. اگر چه ویژگی‌های ظاهری نقاب به لحاظ فرم و محتوا از یک منطقه تا منطقه‌ی دیگر تفاوت‌های بسیار زیادی دارند، اما نقطه

1. Akdemir, N

2. Bennett

3. Noh, M., Li, M & et al

4. Chardin, J

اشتراک تمام انواع آن این است که این پوششی برای حصار کردن صورت زنان محسوب می‌شود. (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۳۶).

ضرورت بررسی سبک پوشش، از آنجا ناشی می‌شود که مطالعه پوشش زنان یک جامعه، شناخت لازم را درباره بخشی از فرهنگ آن جامعه را فراهم می‌سازد. آشنایی با نوع پوشش زنان، نگرش‌ها، رفتارها و نمادهای افراد در زمینه زندگی روزمره می‌تواند تفسیری واقعی از جهتگیری‌ها و الگوهای رفتاری آن‌ها ترسیم سازد. هم‌چنین می‌تواند درک تحولات و تهدیدات فرهنگی، مؤثر باشد و به برنامه ریزان اجتماعی در جهت بهبود فرهنگ بومی و ملی، یاری رساند (آدمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

به زعم کاریک^۱ (۱۹۹۴) لباس پوشیدن روشن‌ترین نشانه هویت اجتماعی است. پوشاک عملکردی فراتر از کارکرد فیزیکی خود مبنی بر پوشاندگی ایفا می‌کند. لباسی که شخص می‌پوشد حامل نشانه‌هایی است که ارتباط بین او و محیط زندگی اش را بازگو می‌کند. لباس هرگز از نشانه چیزی بودن و دلالت بر مفهومی خاص باز نمی‌ایستد و زبانی است که بیان‌کننده جنسیت، جایگاه اجتماعی و باورهای مذهبی فرد است. از این رو لباس جنبه زنده‌ای از فرهنگ بوده و تحولات آن، تابع شرایط اجتماعی است (زارع و رهبر نیا، ۱۳۹۵: ۵). از نظر گیدنز^۲ (۱۹۹۴) در بسیاری از فرهنگ‌های پیش مدرن، پوشیدن لباس در درجه نخست، هویت اجتماعی و نه هویت فردی را مشخص می‌کرد. امروزه نیز لباس و هویت اجتماعی با هم بی‌ارتباط نیستند. لباس همچنان یک تمهید دلالت‌گرایانه است که جنسیت، موقعیت طبقاتی و منزلت حرفه‌ای را نشان می‌دهد (آدمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۹). وبلن^۳ (۱۹۷۰) معتقد است قاعده ضایع کردن تظاهری کالا (مصرف بیهوده آشکار) با نمایش لباس بروز پیدا می‌کند. درعین حال، باید توجه داشت که لباس حامل معانی مختلف اجتماعی و فراتر از وسیله پوشاندن بدن انسان است و غالباً به عنوان شکلی از ارتباط غیر شفاهی، منعکس‌کننده هویت پوشنده است. لباس بیش از دیگر موارد مصرف، وجه نمادین و نمایشی دارد (وزیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

1. Craik
2. Giddens, A
3. Veblen, T

به عقیده زیمل^۱ (۱۹۹۰) عمیق‌ترین مشکل زندگی مدرن از این امر ناشی می‌شود که فرد می‌خواهد خود مختاری‌اش را در برابر نیروهای اجتماعی، حفظ نماید. این مشکلات به خصوص در شهرهای بزرگ دیده می‌شود. شخص در یک شهر بزرگ ترجیحی دهد به گونه‌ای حساب شده مصرف نماید تا به وسیله آن دارای یک «حس هویتی» گردد که آرزوی رسیدن به آن را دارد. به عنوان نمونه، انواع دکراسیون منزل و یا لباسی که یک شخص مورد استفاده قرار می‌دهد. مجموعه‌ای از علائم می‌باشند که جدای از دیگران بوده و فرد می‌خواهد از راه آن‌ها توسط دیگران شناخته شده و تعریف شود (آدمیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۸). زیمل پوشش و مد را اساساً به جنبه‌های تمایزبخشی، هویت یابی و نمایش خود در فضاهای همگانی ارتباط می‌دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴۲). گافمن^۲ (۱۹۵۹) در نظریه نمایشی خود بیان می‌کند، انسان‌ها در زندگی روزانه خود برای دیگران، که گافمن آن‌ها را حضار نامیده است، ایفای نقش می‌کنند. انسان‌ها تمایل دارند تصویری از خود به دیگران نشان دهند که تصور می‌کنند دیگران از آن‌ها انتظار دارند و در یک موقعیت خاص، این تصاویر مناسب‌تر از تصویر واقعی آن‌هاست (هاشمی منفرد و ربیعی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). فرد ممکن است از انواع نشانه‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی مانند لباس پوشیدن در فرآیند بازنمایی مناسب از خود برای گروه‌های خاصی از مخاطبان استفاده کند (چتارامن و لنون^۳، ۲۰۰۸: ۵۲۰). بنابراین نوع پوشاک می‌تواند در برساخت هویتی «خود» زنان مؤثر عمل کند. هویتی که از طریق کنش متقابل با دیگران به وجود می‌آید، پایدار نیست و همواره در حال ایجاد و عوض شدن است (یاسینی، ۱۳۹۹: ۱۷۹).

علی‌رغم جستجو در منابع داخلی و خارجی، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی نقاب به ویژه در داخل کشور بسیار محدود است. و کمتر پژوهش جامعه‌شناسانه‌ای در این زمینه صورت گرفته است. بنابراین در این بخش علاوه بر بررسی تحقیقات محدود انجام‌شده در حوزه‌ی نقاب، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌ی برقع که مرتبط با نقاب است به‌طور پراکنده و اجمالی مرور شد. با وجود شباهت‌های بین برقع و نقاب به نظر می‌رسد که نقاب پوششی منحصر به فرد است که کل صورت را می‌پوشاند، لذا مطالعه دلائل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب توسط زنان دارای اهمیت

1. Simmel, G
2. Goffman, E
3. Chattaraman, V., & Lennon, S. J

است. محمودزاده و کشاورز (۱۳۹۸) با مطالعه «تحلیل نقش و فرم برقع در جنوب ایران» به این نتیجه رسیدند که تحول این روبنده‌ها طی تاریخ و در مناطق مختلف استان، انواع فراوانی از آن را به وجود آورده که برخی چندان خاصیت پوشانندگی ندارند و صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای جذابیت چهره به کار می‌روند. برقع‌های شهری حاوی نقوشی با مفاهیم نمادین و مرتبط با فرهنگ ایرانی هستند. اما برقع‌های جزایر تنها به فرم‌هایی از نقاب و بدون تزئین محدود می‌شود که حالت صیقلی و براقشان وجه مهم تفاوت آن‌ها با روبنده‌های شهری را تشکیل می‌دهد. حکیمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «برقع حجاب چهره زنان جنوب، سنتی در حال فراموشی» انجام داد. نتایج حاصله بیانگر ویژگی‌های انسان شناسانه برقع در زندگی زنان جنوب بود. بر این اساس می‌توان دریافت فردی که از برقع استفاده می‌کند ساکن کدام منطقه یا طایفه می‌باشد، مجرد است یا متأهل، جوان است یا پیر. همچنین مشخص شد که به دلایل تغییر شکل حجاب بانوان جوان و استفاده از برقع به عنوان زینت چهره بانوان، استفاده از برقع کمرنگ شده است. میرحسینی (۱۳۹۱) با «بررسی ویژگی‌های زیبایی شناسی برقع‌های ساکن حاشیه خلیج فارس» به این نتیجه رسید که ویژگی‌های زیبایی شناسانه برقع‌های مورد استفاده زنان حاشیه خلیج فارس از طبیعت این منطقه الهام گرفته شده و تأثیر آداب و رسوم هر منطقه بر برقع‌های آن منطقه مشهود است. همچنین به این نتیجه رسید که برقع بر اساس صورت فرد اندازه گیری و سپس ساخته می‌شود و به همین دلیل به ازای هر نفر یک برقع وجود دارد. میرحسینی نتیجه گرفت که امروزه توجه به برقع در بین زنان کمتر شده و رو به فراموشی است. بخت^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «آشنایی با دیگران: زنان نقاب پوش در کشورهای لیبرال دموکراسی» با بررسی دلایل استفاده از نقاب توسط زنان مسلمان نتیجه گرفت که درک نقاب از دیدگاه زنان مسلمان می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی بر نحوه تعامل کشورهای لیبرال با زنان مسلمان داشته باشد. نتایج مطالعه محمدی و حاضری^۲ (۲۰۲۱) با عنوان «دو روایت متفاوت از حجاب در ایران: برقع و نقاب» حاکی از آن بود که زنان بلوچ نقاب را به عنوان نشانه‌ای از هویت جمعی و تمایز آن‌ها و نیز تعهد حداکثری دینی در مقابل اکثریت شیعه-فارس می‌پوشند. در حالی که برقع بیش از آنکه نمایانگر هویت مذهبی یا قومی باشد، زنان با پوشیدن آن هویت شخصی خود را متمایز می‌کنند.

1. Bakht, N

2. Mohammadi, N., & Hazeri, A. M

محمدی و رستگار^۱ (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان «سازه اجتماعی و فرهنگی برقع: مطالعه موردی در جزیره قشم» نتایج این پژوهش نشان داد که برقع به مثابه یک زبان نمادین عمل می‌کند و وسیله‌ای برای نشان دادن طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل و نمایش جوانب زیبایی‌شناختی، نمادین و هویت یک زن بومی در محیط مردسالار است. برقع در این منطقه امکان مشارکت اقتصادی و مصونیت از مخاطرات حضور در اجتماع و بازار کار را فراهم می‌کند. زمپی^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «انتخاب، عاملیت و هویت برای زنان مسلمان نقاب پوش» به این نتیجه رسیدند که پوشیدن نقاب به صورت یک انتخاب شخصی، بیان‌کننده تقوای دینی، عفت عمومی و نشان‌دهنده تعلق به یک امت است. همچنین به عنوان نوعی عاملیت و عدم انطباق با فرهنگ و سبک زندگی مصرف‌گرای غربی تلقی می‌شود (زمپی، ۲۰۱۶). شیرازی و میشرای^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «زنان جوان مسلمان در حجاب صورت (نقاب)» نشان دادند که نیمی از شرکت‌کنندگان که روسری یا نقاب داشتند، به پوشیدن نقاب علاقه نداشتند. آن‌ها معتقد بودند که پوشیدن نقاب در چارچوب آمریکا غیر ضروری است. با این حال، اکثریت قاطع از حق یک زن برای پوشیدن نقاب در صورت تمایل او حمایت کردند.

در ایران استفاده از نقاب تنها در مناطق جنوبی مرسوم است و در هر منطقه، معنای خاصی از این عنصر فرهنگی وجود دارد؛ اگرچه در خصوص نحوه‌ی استفاده از این نوع پوشش و دلایل آن برداشت‌های مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، اما در مطالعه حاضر محققین در صدد هستند تا تصورات و معانی اعتقادی و اجتماعی استفاده از این پوشش را در شهر زاهدان به عنوان یکی از مناطق پر استفاده از نقاب در ایران واکاوی کنند. شهرستان زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که در منطقه‌ی بلوچستان قرار گرفته است. بلوچستان متشکل از دو تکوازه «بلوچ» نام قوم و «ستان» نشان مکان به مفهوم جایگاه قوم بلوچ است. از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند (چگینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۲). پوشیدن نقاب در بین زنان بلوچ از آن جهت اهمیت دارد که حامل پیام‌های فرهنگی است، بنابراین ضرورت دارد که این پیام‌ها مورد واکاوی و بررسی

1. Mohammadi, N., & Rastegar, Y

2. Zempi, I

3. Shirazi, F., & Mishra, S

قرار گیرد و عوامل مذهبی و اجتماعی که در پدید آمدن این پوشش تأثیرگذار بوده‌اند شناسایی شوند.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی از نوع توصیفی انجام شد. بدین منظور اطلاعات لازم از طریق مصاحبه و مصاحبه نیمه ساختاریافته با زنانی که از نقاب برای پوشش صورت استفاده می‌کردند، جمع‌آوری گردید. مصاحبه با زنان به این صورت انجام شد که صدای زنان ضبط و سپس در فایل ورد پیاده‌سازی شد. محور سؤالات در زمینه تجارب زنان از پوشیدن نقاب بود. میانگین زمان مصاحبه‌ها ۴۰ دقیقه طول کشید. در مصاحبه بعد از پرسیدن ویژگی‌های دموگرافیک (سن، محل تولد، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و مذهب)، در ابتدا یک سوال کلی مطرح شد، "اولین باری که نقاب پوشیدید چه زمانی بود؟" بعد سؤالات بر اساس نوع پاسخگویی ادامه پیدا کرد. سؤالاتی از قبیل: چه عاملی باعث شد که از نقاب استفاده کنید؟، چطوری نقاب را تهیه کردید؟ استفاده از نقاب چقدر برای شما اهمیت دارد؟ تصور شما از اینکه این پوشش را استفاده می‌کنید چیست؟ در مطالعه حاضر، مشارکت‌کنندگان به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی و هدفمند انتخاب شدند. این اقدام تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. بنابراین حجم نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۲ نفر از زنان بلوچ در محدوده‌ی سنی ۲۰ تا ۵۷ سال بودند. لازم به ذکر است زنانی به عنوان نمونه انتخاب شدند که از نقاب استفاده می‌کردند و تمایل و رضایت کامل و آگاهانه برای مصاحبه داشتند. مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۸ انجام شد. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار MAXQDA استفاده شد. کدگذاری به شیوه کدگذاری قیاسی بود. در این نوع کدگذاری محقق با شناختی که از موضوع دارد، از قبل کدهایی را ایجاد کرده و در مراحل بعد قسمت‌های مختلف داده‌ها را به کدهای ساخته شده ارتباط می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

ردیف	سن	محل تولد	تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	مذهب
۱	۲۷	زاهدان	لیسانس	متأهل	کارمند	سنی (حنفی)
۲	۵۵	زاهدان	بی‌سواد	بیوه	تولیدکننده نقاب	سنی (حنفی)
۳	۴۵	زاهدان	بی‌سواد	بیوه	تولیدکننده نقاب	سنی (حنفی)
۴	۲۰	زاهدان	سیکل	متأهل	خانه دار	سنی (حنفی)

ردیف	سن	محل تولد	تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	مذهب
۵	۲۸	زاهدان	لیسانس	مجرد	کارمند	سنی (حنفی)
۶	۲۷	خاش	لیسانس	متاهل	روزنامه‌نگار	سنی (حنفی)
۷	۳۱	زاهدان	فوق لیسانس	مجرد	پژوهشگر	سنی (حنفی)
۸	۲۲	زاهدان	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	سنی (حنفی)
۹	۲۳	ایران شهر	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	سنی (حنفی)
۱۰	۲۵	ایران شهر	لیسانس	متاهل	خانه‌دار	سنی (حنفی)
۱۱	۲۰	ایران شهر	فوق دیپلم	مجرد	محصل	سنی (حنفی)
۱۲	۵۷	زاهدان	حوزوی	متاهل	استاد حوزه	سنی (حنفی)

یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر مطالعه دلائل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب در بین زنان بلوچ شهر زاهدان بود. با بررسی مصاحبه‌ها ۲ مضمون اصلی و ۱۰ مقوله فرعی به دست آمده است. مضامین اصلی شامل «دلائل اعتقادی» و «دلائل اجتماعی» می‌شود. همچنین مقولات فرعی نیز شامل «محافظت از توجه مردان»، «کسب سعادت و رضایت»، «عفت و حیای عمومی»، «عادت واره»، «احساس آزادی»، «پیروی از ساختار سنتی»، «کسب عزت و احترام»، «همرنگی با جماعت»، «احساس امنیت و آرامش» و «احساس قدرت» می‌شود. در ادامه هر یک از مضامین به همراه نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها تحلیل شده است.

جدول شماره ۲. مضامین و مقولات دلائل استفاده زنان بلوچ اهل تسنن از روبنده

مضمون‌های اصلی	مقولات فرعی
دلائل اعتقادی	محافظت از توجه مردان
	کسب سعادت و رضایت
	عفت و حیای عمومی
	عادت واره
دلائل اجتماعی	احساس آزادی
	پیروی از ساختار سنتی
	کسب عزت و احترام
	همرنگی با جماعت
	احساس امنیت و آرامش
	احساس قدرت

۵-۱. زمینه اعتقادی

محافظت از توجه مرد

رعایت حجاب و پاسداشت عفاف که در قرآن و احادیث تبیین شده، از جمله عوامل تأثیرگذار در ایجاد روابط اجتماعی متعادل است. حجاب و عفاف زمینه آرامش جسمی و روحی در جامعه را فراهم آورده و مانع بهره جویی و منفعت یک طرفه از جنس مخالف می شود (شعبانپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶). همانطور که در نقل قول های زیر نشان داده شده است، شرکت کنندگان تأکید کردند که پوشیدن نقاب به عنوان وسیله ای برای محافظت از نگاه مردان استفاده می شود. زنان مسلمان منطقه که نقاب استفاده می کنند، معتقدند پوشیدن نقاب آن ها را از گناه کردن محفوظ می دارد و بدون آن احساس گناه می کنند زیرا نگاه نامحرم به آن ها می افتد.

«می خواستم برم عروسی و چون به سروصورت رسیدم پوشیده بودم پوشیدم چون نمی خواستم کسی منو ببینه چون احساس گناه می کردم» (مصاحبه با خانم کارمند ۲۸ ساله).
«درک من نسبت به نقاب اینه که با این روش خودم و کسانی که در جامعه هستن را از بعضی از گناهان محفوظ می کنم و اعتقاد خیلی زیادی به این کار دارم» (مصاحبه با خانم خانه دار ۲۵ ساله).

کسب سعادت و رضایت الهی

تجزیه و تحلیل کیفی داده ها نشان می دهد که تصمیم شرکت کنندگان برای پوشیدن نقاب بر اساس چیزی بود که معتقد بودند خداوند از آن ها خواسته است. بین شرکت کنندگان این توافق وجود داشت که پوشیدن نقاب یک عبادت است که آن ها را به خدا نزدیک می کند. همچنین برخی اظهار داشتند پوشش برای آن ها ضروری است و علت سعادت مند شدن خود را در آن می بینند و انتظار پاداش و سعادت دارند. نظرات زیر نشان دهنده تمایل شرکت کنندگان برای نزدیک شدن به خداوند و حضرت محمد (ص) را نشان می دهد.

«الان هم که همیشه بیرون که میام می پوشم. اینجوری خودم حس راحت تری داشتم. احساس می کنم با پوشیدنش به خدا نزدیک تر میشم» (مصاحبه با خانم محصل ۲۱ ساله).

عفت و حیای عمومی

عفت، به معنی پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه ی شهوت بازدارد. قرآن کریم به رفتارهای عقیفانه، مانند رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش، و عفت در کردار، به ویژه در زنان، اشاره می کند. قرآن زنان را مکلف می کند، زینت های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. آن ها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام ها و آن ها را پنهان کند (فرهادیان، ۱۳۸۷: ۱۱۲). و رای داشتن پوشش به عنوان یک فرم از عفت، پوشش به عنوان یک عرف از نماد عفت و حیای مذهبی بودن، مطرح می شود. در واقع پوشش تنها برای رسیدن به عفت به عنوان تفسیری از متن مذهب است و رفتار عقیفانه را متجلی می سازد.

«وقتی هم که متأهل شدم و صورتم به تغییراتی کرد دیگه موظف بودم به خاطر تعهدم از نقاب استفاده کنم چون زیبایی من فقط برای محرم هست» (مصاحبه با خانم خانه دار ۲۳ ساله).

«خانواده خودم خیلی مذهبی هستند و با این قضیه موافقه، شوهر خودم مذهبی و مسجدی هست. بنظر من به دختر و به زن نباید مورد اشاره مرد جماعت قرار بگیره هر چقدرم که با حیا باشه» (مصاحبه با خانم پژوهشگر ۳۱ ساله).

۲-۵. زمینه اجتماعی

عادت واره^۱

بوردیو^۲ معتقد است عادت واره، شامل مجموعه طرحواره هایی است که یک انسان در طول زندگی خود از ابتدای تولد به بعد بر اساس برخورد با محیط های مختلف مانند خانواده، رسانه ها، نهادهای آموزش و پرورش و گروه همسالان کسب می کند. از جمله این طرحواره ها می توان به چگونگی غذا خوردن، چگونگی لباس پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات و مشغولیات انسان اشاره کرد. عادت واره ها، عمل را نه به صورت تحمیل بلکه به صورت یک ضرورت منطقی پیش می برد. تأثیر عادت واره ها در اعمال شخص به صورتی است که گویا شخص از نوعی محاسبه عقلانی و یا قاعده ای تبعیت کرده است (رستگار خالده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). در اکثر موارد

1. Habitus
2. Bourdieu, P

مشارکت کنندگان از عادت به پوشیدن نقاب صحبت می‌کنند که در اثر تکرار در آن‌ها درونی شده و به نوعی جزئی از وجود آن‌ها شده است.

«عادت کردم، وقتی نقاب نمی‌پوشم حس می‌کنم حجاب ندارم، نقاب شده چیزی از وجودم» (مصاحبه با خانم ۲۰ ساله خانه دار).

«بهش وابسته هستم حتی اگر نقابم گم هم بشه با یک تکه پارچه حتما باید صورتم رو

پوشونم واسه موقع‌هایی که میخوام برم بیرون» (مصاحبه با خانم کارمند ۲۸ ساله).

در بعضی موارد مشارکت کنندگان از عادت صحبت می‌کنند که جزئی از وجود آن‌ها شده به گونه‌ای که با آن زندگی می‌کنند و به نوعی سبک زندگی برای آن‌ها تبدیل شده بود.

«دیگه نمی‌تونم ترکش کنم، حتی گاهی که میخوام برم بیرون مثلاً مجالس زنانه دوست

دارم نقاب نپوشم اما نمی‌تونم انگار واسم یک عادت شده ترکش واسم سخته. «یک

نوع سبک زندگی شده برام. خانم‌هایی که مکتب میرن انگار دارن از این نوع سبک

زندگی پیروی می‌کنن، چون همه نقاب استفاده می‌کنن، خانم‌ها ترغیب میشن به

پوشیدنش و میگن بالاخره یکسال یا دوسال در مکتب درس می‌خونم و نقابم می‌زنم،

حتی دیدم خانم‌هایی رو که تنفس براشون با نقاب مشکله اما باز هم نقاب می‌پوشن و

کنار نمیزارنش» (مصاحبه با خانم پژوهشگر ۳۱ ساله).

سنت‌های خانوادگی و قبیله‌ای

مشارکت کنندگان در این پژوهش بخشی از الزام‌های هنجاری برای پوشیدن برقع و نقاب را

سلطه‌ی مردان خانواده برای حفظ سنت و حیثیت خانوادگی اعلام کردند.

«مردای ما متعصبن یه حس ناموس پرستی دارنند اگر کسی در مورد خواهرشان یا

مادرشان یا همسرشان صحبت کند و یا بشنوند که کسی در موردشان صحبت کرده

است سرافکنده می‌شوند؛ بخاطر همین همه توی خانواده ما نقاب می‌پوشن» (مصاحبه با

خانم ۲۸ ساله کارمند).

مشارکت کننده دیگر در این خصوص می‌گوید:

«خودم زیاد تمایل نداشتم ولی به خاطر آبروی بابام می‌پوشم» (مصاحبه با خانم ۲۳ ساله

خانه دار).

در بعضی از موارد مشارکت کنندگان اظهار کردند، به دلیل نپوشیدن نقاب مورد خشونت فیزیکی از سوی مردان خانواده قرار گرفته اند.

«اگه نقاب نپوشم، برادرم منو میکشه، حتی بدون روسری منو بیینه دعوام میکنه، مثلاً یکبار نامزد برادرم نقاب نپوشیده بود و اومده بود خونه ما، برادرم خیلی دعواش کرد که چرا نقاب نپوشیدی». او ادامه می‌دهد: «یکبار من میخواستم با برادرم برم بیرون، نقابمو نپوشیدم، برادرم منو کتک زد (خنده بلند) ولی من چیزی بهش نگفتم» (مصاحبه با خانم ۲۰ ساله محصل).

همرنگی با جماعت

همرنگی را می‌توان تغییر در رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم تعریف کرد. طبق نظر لئون فستینگر هنگامی که واقعیت مادی و فیزیکی به طور فزاینده‌ای نامعین و مبهم می‌شود، مردم اتکای بیشتری به واقعیت اجتماعی پیدا می‌کنند و به احتمال قوی با آنچه که دیگران انجام می‌دهند هم‌رنگی می‌کنند (صدیق اورعی و غنی زاده، ۱۳۹۸: ۸۳). حضور افراد در مکاتب برای ادامه تحصیل باعث شده تا بسیاری از زنان به پیروی از همسالان خود پوشیدن نقاب را انتخاب کنند.

«محیط و جوی که یک زن داخلش زندگی میکنه بیشترین تأثیر رو داره، مثلاً من خودم توی محله‌ای زندگی می‌کنم که اطرافم آدم‌های زندگی میکنن که اکثراً درس مکتب خوندن یا زن‌هایی که شوهرهاشون مولوی هستند و به همین خاطر نقاب می‌پوشن و این باعث میشه که من تحت تأثیر اطرافیانم باشم. به قول معروف خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو. بااینکه من این طرز تفکر رو قبول ندارم اما به خاطر اینکه پشت سرم و پشت سر خانواده‌ام حرفی نباشه رعایت می‌کنم» (مصاحبه با خانم ۳۱ ساله پژوهشگر)

«توی یک کلاس درس یکی از دخترا که نقاب می‌پوشید، یکی دیگه هم می‌پوشید، یکی دیگه هم چون فامیلشون بود می‌پوشید و همین‌طور ادامه داشت» (مصاحبه با خانم ۲۰ ساله محصل).

«بیشتر به خاطر اینکه اطرافیانم استفاده می کردند منم پوشیدم. خاش زندگی می کردم اما برای درس خوندن به ایرانشهر می رفتم و چون محیط ایرانشهر سنتی تر بود و همه اطرافیانم نقاب می پوشیدند» (مصاحبه با خانم ۲۷ ساله روزنامه نگار)

کسب عزت و احترام

تجزیه و تحلیل عمیق مصاحبه‌ها نشان داد که برخی از زنان معتقدند با پوشیدن نقاب ارزش و احترام بیشتری در جامعه کسب می کنند.

«نگاه گاهی ممکنه بی قصد و غرض و عموماً از قصد باشه. گاهی نگاه آدمای پست و هرزه طوره که آدم تحقیر میشه. مقام یه زن در حدی نیست که یه هرزه با نگاهش باعث ذلت زن بشه» (مصاحبه با خانم ۵۵ ساله تولیدکننده نقاب).
«وقتی فهمیدم که با نقاب باعزت و احترامم اضافه میشه دائمیش کردم» (مصاحبه با خانم ۲۲ ساله خانه دار).

«یجورایی آدمای رو درست و مثبت نشون میده، دید مثبتی دارن و احترام خاصی میزارن وقتی نقاب می پوشم» (مصاحبه با خانم ۲۵ ساله خانه دار).

احساس قدرت

میشل فوکو معتقد است قدرت را باید در ظرف کاربردها و تأثیراتش تحلیل کرد، قدرت از نظر فوکو قبل از همه چیز مولد است، وی معتقد است قدرت متکثر است و از سوی یک مرکز سیاسی واحد اجرا نمی گردد، بلکه از جاهای بی شماری اعمال می گردد. فوکو قدرت را معنای عملی می داند که موجب تغییر و یا جهت دهی (راهبری) به رفتار دیگران می شود (نوابخش، ۱۳۸۸: ۶۰). زنانی که نقاب می پوشند معتقدند که نقاب برای آنها یک سطح از قدرت را ایجاد می کند که به وسیله آن می توانند بدن خود را کنترل کرده و در جامعه با اقتدار بیشتری حضور بیابند.

«در دوره‌ای که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور بودند یک دیداری داشتیم باهاشون که من رفته بودم تهران وقتی رسیدم اونجا آقای که محافظ بودند به من گفتن که با نقاب نمی تونید بیاید داخل و باید نقاب خودتون رو در بیارید از لحاظ امنیتی و غیره خیلی باهم گفتگو کردیم در مورد این قضیه و من گفتم که خانم‌ها از لحاظ امنیتی

بررسی کردن و دلایل دیگه‌ای که آوردم، آخرش ایشون گفتن خانم یک ابهتی دارید که دیگه من نمی‌تونم چیزی به شما بگم، من ازش پرسیدم آیا بنظرتون ابهت من مال جسمم هست یا طرز رفتارم؟ گفت نمیدونم، منم گفتم خودم به شخصه ابهتی ندارم بلکه این ابهت مال چادر و نقابم هست. واقعاً هم همینطوره و باید داخلش قرار بگیری که بفهمی. یک احساس قدرت و یک احساس حفاظت بهم میده، یک احساس که من می‌تونم از خودم محافظت کنم، یک نیرو و مقاومت» (مصاحبه با خانم ۵۷ ساله مدرس حوزه).

احساس آزادی

شرکت‌کنندگان معتقدند، نقاب حضور و تحرک فیزیکی آنها در فضای عمومی را فراهم می‌سازد. پوشیدن نقاب به جای منزوی ساختن شرکت‌کنندگان، آنها را از لحاظ روحی و عملی تقویت کرده و آنها را توانمند ساخته تا از فضای داخلی، خارج شوند و بر اساس ناشناس بودن وارد فضای عمومی شوند. موضوع آزادی در نظرات زیر به تصویر کشیده شده است.

«با نقاب حس آزادی بیشتر و بیشتری دارم اعتقادم اینه که نقاب زدن یعنی آزادی، آزادی که کسی بهت در جمع توجه‌ای نداره و انگار نه انگار که از جلو مردی یا مردان رد شدی» (مصاحبه با خانم ۲۲ ساله خانه دار).

احساس امنیت و آرامش

از مباحث بسیار مهم و اساسی که از دیرباز مورد توجه بوده، موضوع پوشیدگی انسان‌ها در برابر یکدیگر است. خداوند در قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب، حدود و ضوابط روابط اجتماعی زن و مرد را مطرح ساخته و بر لزوم حریم میان زنان و مردان نامحرم تأکید می‌کند. خداوند در این سوره، از زنان می‌خواهد که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند و اندام خود را با جلباب، از نگاه نامحرم محفوظ دارند که با این کار به عفاف شناخته شده و از آزارها و مزاحمت‌های جنسی در امان خواهند ماند (مقیم، ۱۳۹۹: ۱۴۲). برخی از شرکت‌کنندگان عنوان کرده‌اند که با پوشیدن نقاب به امنیت و آرامش دست پیدا می‌کنند.

«من اولین باری که نقاب زدم حس خیلی خوبی داشتم، حس امنیت داشتم و راحت بودم مخصوصاً وقتی که بیرون می‌رفتم دیگه نیازی نبود که از چادر و روسریم مراقبت کنم، وقتی می‌خندیدم کسی متوجه نمی‌شد، یک نوع احساس امنیت داشتم» (مصاحبه با خانم ۲۷ ساله روزنامه نگار).

«من قبل از اینکه نقاب بزنم خیلی واهمه داشتم وارد محیط‌های مردانه بشم، اما از موقعی که نقاب می‌زنم خیلی راحت می‌رم انگار یک سنگر دارم که ازم محافظت میکنه و هیچکس نمی‌تونه منو ببینه و هیچکس نمیتونه بهم تعرض کنه» (مصاحبه با خانم ۵۷ ساله مدرس حوزه).

بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر، مطالعه دلایل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب در بین زنان بلوچ بود. مضامین اصلی شامل «دلایل اعتقادی» و «دلایل اجتماعی» بود. مضمون دلایل اعتقادی دارای مقولات فرعی «محافظت از توجه مردان»، «کسب سعادت و رضایت»، «عفت و حیای عمومی» و مضمون دلایل اجتماعی دارای مقولات فرعی «عادت و اره»، «احساس آزادی»، «پیروی از ساختار سنتی»، «کسب عزت و احترام»، «همرنگی با جماعت»، «احساس امنیت و آرامش» و «احساس قدرت» می‌شود. از منظر اعتقادی، شرکت کنندگان معتقد بودند با پوشیدن نقاب از نگاه مردان نامحرم در امان می‌مانند و مانع از به گناه افتادن خود و دیگران می‌شوند. در واقع، پوشیدن نقاب به آنها اجازه می‌دهد تا بدون نگرانی از اینکه حریم خصوصی و حیثیت خود را به عنوان زنان مسلمان به خطر بیندازند، وارد عرصه عمومی شوند. همسو با یافته مطالعه حاضر، نتایج مطالعات کیفی احمد، منیرو و نورانی (۲۰۲۱)، پیلا (۲۰۱۹) و زمپی (۲۰۱۶) نشان داد که برخی از زنان مسلمان برای محافظت از خود در برابر نگاه مردان و پیشگیری از گناه به پوشیدن نقاب روی آوردند.

یافته‌های مطالعه حاضر بیانگر این بود که شرکت کنندگان نقاب را به عنوان نمادی از تعهد دینی، عبادت و تقوا توصیف کردند. از نظر زنان، نقاب حاکی از انطباق و عبادت زنان مسلمان به دستورات خداوند است و با رعایت این حکم الهی به دنبال کسب سعادت اخروی هستند. با این حال، ذکر این

1. Ahmad, M., Muniroh, S. M., & Nurani, S

2. Piela, A

نکته ضروری است که پوشیدن نقاب از الزامات اسلام نیست. این یافته با نتایج پژوهش پیلا (۲۰۱۹) هماهنگ بود. وی نتیجه می‌گیرد زنان مسلمان انگلیسی پوشیدن نقاب را به عنوان نمادی از رابطه نزدیک خود با خدا توصیف می‌کنند. همچنین نتایج مطالعه احمد، منیر و نورانی (۲۰۲۱) نشان داد، زنان معتقدند کسی که نقاب می‌پوشد به این معناست که از تعالیم اسلام و خداوند پیروی کرده است. از دیگر نتایج مطالعه حاضر، زنان شرکت کننده نقاب را به عنوان نمادی از عفت و حیا تفسیر کردند. که رفتار عیفانه آن‌ها را آشکار می‌کند. این یافته با نتایج مطالعه زمپی (۲۰۱۶) هماهنگ بود. در تحلیل این یافته می‌توان گفت برای گروهی از زنان پوشیدن نقاب به عنوان یک عمل عبادی محسوب می‌شود و بیانگر میزان دینداری آن‌ها است. البته با توجه به اینکه بیشتر، زنان بلوچ اهل تسنن از این نوع پوشش استفاده می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت که نقاب وسیله‌ای برای نمایش هویت اجتماعی و مذهبی است.

از منظر مضمون اجتماعی، بسیاری از مشارکت کنندگان از عادت کردن به نقاب صحبت به میان آوردند که جزئی از وجودشان شده است. طبق نظریه بوردیو (۱۹۹۹) عادت واره از سویی ساختاری است که ساختارهایی را می‌سازد، عادت واره محصول تاریخ انسان است که اعمال فردی را به وجود می‌آورد از سوی دیگر، در ضمن منحصر به فرد بودن عادت واره هر فرد، هدایت کننده و نیروی محرکه اعمال و رفتار روزمره انسان است. در همین راستا، نتایج مطالعه زمپی (۲۰۱۶) نشان داد که زنان نقاب را جزئی از وجودشان می‌دانند و در صورت پوشیدن احساس برهنگی می‌کنند.

خانواده از موارد مهم و تأثیرگذار در پوشیدن نقاب بود. به عبارتی، نقاب تحت تأثیر باورهای سرکوبگرانه نظام مردسالار به برخی از زنان تحمیل شده بود؛ و زنان برای حفظ آبروی طایفه و خانواده به اجبار نقاب می‌پوشیدند. محمدی و رستگار (۲۰۱۸)، پژوهشی که در زمینه برقع انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که برقع به مثابه یک زبان نمادین عمل می‌کند و وسیله‌ای است برای هویت یک زن بومی در محیط مردسالار و سنتی که امکان گفتگو و ابراز خواسته‌های خود را ندارد. از دیگر عوامل تأثیرگذار در پوشش نقاب؛ محیط زندگی، تحصیل و اطرافیان بودند، معمولاً افرادی که در مکانی زندگی می‌کردند یا به تحصیل می‌پرداختند که اطرافیانشان از نقاب استفاده می‌کردند، آن‌ها برای هم‌رنگ شدن با جماعت به پوشیدن نقاب روی آورده بودند. این یافته با نتایج مطالعه

احمد، منیرو و نورانی (۲۰۲۱) هماهنگ بود. طبق این یافته می‌توان نتیجه گرفت پوشیدن نقاب صرفاً یک امر مذهبی نیست، گاهی اوقات نقاب به طور سنتی نماد مردسالاری در یک جامعه است. علاوه بر این، شرکت کنندگان پوشیدن نقاب را عملی آزادی بخش و قدرت‌بخش و آرامش دهنده توصیف کردند، به این معنا که به آن‌ها اجازه می‌دهد با اعتماد به نفس بیشتر و بدون نگرانی از آزار و اذیت جنسی خانه را ترک کنند و وارد فضای عمومی شوند. زنان و دختران با پوشیدن نقاب وقتی در جامعه حضور می‌یابند کاملاً یکسان جلوه گر می‌شوند و به این وسیله به مردم در جامعه پیام می‌دهند که شایسته چه نوع احترام و ملاحظات اجتماعی هستند و در تعامل با او باید حرمت و ملاحظات اجتماعی حفظ شود. این گروه از زنان به نقاب به عنوان یک محدودیت نمی‌نگرند، بلکه بیشتر آن را نمادی از قدرت و مقاومت می‌دانند. نقاب به آن‌ها احساس امنیت و آزادی می‌بخشد و علاوه بر آن فرصت حضور در جامعه را برای آن‌ها فراهم می‌سازد یا به عبارتی به آن‌ها استقلال می‌بخشد. نتایج پژوهش چاودوری، باکار و المتوالی^۱ (۲۰۱۷) در راستای تأیید یافته‌های این پژوهش از تمایل زنان برای پوشیدن نقاب به منظور کسب آزادی و به عنوان نشانه توانمندی زنان سخن می‌گویند. همچنین نجیب^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که زنان اندونزی به دلایلی امنیتی از نقاب استفاده می‌کنند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که نقاب فقط یک پارچه نیست بلکه می‌تواند وسیله مهمی برای انتقال و بیان معنا، هویت و ارزش‌های افراد باشد. نقاب صرفاً دارای معنای شخصی و مذهبی نیست بلکه نشان‌دهنده هویت جمعی نیز هست. در سطح فردی زنان نقاب را جزئی از وجود خود می‌دانستند و به پوشیدن آن عادت کرده بودند یا برای خشنودی خداوند و عمل به دستورات دین و حفظ خود و دیگران از گناه نقاب می‌پوشیدند. همچنین گروهی دیگر برای رسیدن به آزادی و امنیت و کسب قدرت این عمل را انجام می‌دادند. در سطح جمعی زنان به دلیل سنت‌های خانوادگی و ساختار مردسالارانه حاکم بر جامعه و برای هم رنگ شدن با سایرین نقاب می‌پوشیدند.

1. Chowdhury, N. A., Bakar, H. S. A., & Elmetwally, A. A

2. Nadjib, A. I

پیشنهادها

- با توجه به اینکه پژوهش حاضر به بررسی دلایل اعتقادی و اجتماعی استفاده از نقاب پرداخته بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی سایر دلایل استفاده از نقاب بررسی شود.
- پژوهش حاضر در منطقه زاهدان انجام شد، بنابراین پیشنهاد می‌شود این موضوع در سایر مناطق مانند قشم که از این نوع پوشش استفاده می‌کنند، نیز انجام شود.

محدودیت‌ها

- از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش چندزبانه و چندفرهنگی بودن میدان تحقیق بود، بنابراین برای پیدا کردن نمونه‌های متفاوت نیاز به آشنایی و تسلط به زبان و گویش‌های مختلف قومیت‌های مختلف ساکن در شهر زاهدان بود.
- پژوهش در حوزه زندگی خصوصی افراد قرار داشت و تمایل افراد برای طرح و صحبت در مورد مسائل شخصی‌شان کم بود، بنابراین محدودیت‌ها و دشواری‌هایی را در روند مصاحبه به همراه داشت.
- وقتی از مصاحبه‌شوندگان درخواست می‌شد تا موارد دیگری را برای مصاحبه معرفی کنند تا بتوان به روش گلوله برفی به نمونه‌گیری و کار جمع‌آوری داده‌ها پرداخت، اغلب مصاحبه‌شوندگان از انجام این کار خودداری می‌کردند و دوستان، اقوام و آشنایان خود را معرفی نمی‌کردند و این امر موجب می‌شد محقق برای یافتن نمونه‌ها زمان بیشتری صرف کند.

ملاحظات اخلاقی

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند در این پژوهش تمامی اصول اخلاقی مرتبط از جمله محرمانه بودن مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان و اختیار خروج از آن رعایت شده است.

منابع

- آدمیان، مرضیه؛ عظیمی‌هاشمی، مژگان و صنعتی شرقی، نادر (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی سبک پوشش زنان. [فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه](https://doi.org/10.1001.1.20088566.1391.3.12.8.8)، ۳(۱۲)، ۱۸۶-۱۶۱.
- چگینی، محمد، دانیالی، تهمنه و اسماعیل پور روشن، علی اصغر (۱۴۰۰). نقش دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ و تأثیر بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان. [جغرافیایی سرزمین](https://doi.org/10.30495/SARZAMIN.2022.63242.1992)، ۱۸(۷۲)، ۸۳-۱۰۰.
- حکیمیان، بدری (۱۳۹۵). برقع حجاب چهره زنان جنوب، سنتی در حال فراموشی، نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی با تأکید بر هنرهای روبه فراموشی، اصفهان، ایران. <https://civilica.com/doc/527435>
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و نقی پور ایوکی، سحر (۱۳۹۱). کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رلبطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. [مطالعات راهبردی زنان](https://doi.org/10.1001.1.20082827.1391.14.56.2.8)، ۱۴(۵۶)، ۸-۸۲.
- زارع، مرضیه و رهبرنیا، زارع (۱۳۹۵). نگاهی جامعه‌شناسانه به مفهوم لباس در هنر معاصر با تکیه بر آرا بوردیو. [پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر](https://doi.org/10.22084/CSR.2016.1805.1-29)، ۹(۵)، ۲۹-۱.
- شعبانپور، محمد؛ بشارتی، زهرا و ولدخانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). تحلیلی بر حجاب و عفاف از منظر قرآن با تکیه بر مصلحت در نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی. [لندیشه علامه طباطبائی](https://doi.org/10.22054/TAT.2018.30279.53)، ۴(۶)، ۸۲-۹۹.
- صدیق اورعی، غلامرضا و غنی زاده، مصطفی (۱۳۸۹). دلایل و تفاسیر دختران و زنان مشهوری از انتخاب و شکل پوشش خود. [زن و مطالعات خانواده](https://doi.org/10.30495/JWSF.2020.573221.1292)، ۱۲(۴۵)، ۱۰۱-۶۹.
- فرهادیان، فاطمه (۱۳۸۷). عفاف در رفتار. [فصلنامه علمی و ترویجی اخلاق](http://akhlagh.morsalat.ir/article_21232.html)، ۱۱(۴)، ۱۱۲-۱۳۳.
- کاظم پور ساریدرق، الهام؛ یاری، جهانگیر؛ سفیری، خدیجه؛ معروف پور، مینا؛ قلی پور، آرزو؛ جوانمرد، غلامحسین؛ گل محمدزاده، زینب؛ عبدالله پور، نازی (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی حجاب ازدیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت). [زن و مطالعات خانواده](https://doi.org/10.22051/JWFS.2019.19970.1727)، ۳۸(۱۰)، ۶۹-۹۷.
- کلاتری، عبدالحسین؛ همتی راد، فرزانه و مؤمنی، حسن (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی پوشش دانشجویان دختر؛ عوامل عینی و ذهنی. [مطالعات زن و خانواده](https://doi.org/10.22051/JWFS.2019.19970.1727)، ۱۱(۷)، ۵۰-۲۹.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۹). پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی، (چاپ اول)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- Mohammadi, N., & Hazeri, A. M. (2021). Two different narratives of Hijab in Iran: Burqa and Niqab. **Sexuality & Culture**, 25(2), 680-699. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12119-020-09789-3>
- Mohammadi, N., & Rastegar, Y. (2018). The social and cultural construction of Burqa: The case of Ghesm Island in Iran. **Sexuality & Culture**, 22(3), 962-979. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12119-018-9505-7>
- Nadjib, A. I. (2020). Niqab Between Texts and Fashion Trend.
- Noh, M., Li, M., Martin, K., & Purpura, J. (2015). College men's fashion: Clothing preference, identity, and avoidance. **Fashion and Textiles**, 2, 1-12
- Piela, A. (2019). Wearing the Niqab in the UK: Exploring the embodied "shape a moral action can take. **Journal of the American Academy of Religion**, 87(2), 512-542. <https://doi.org/10.1093/jaarel/lfz002>
- Shirazi, F., & Mishra, S. (2010). Young Muslim women on the face veil (niqab) A tool of resistance in Europe but rejected in the United States. **International journal of cultural studies**, 13(1), 43-62.
- Zempi, I. (2016). 'It's a part of me, I feel naked without it': choice, agency and identity for Muslim women who wear the niqab. **Ethnic and Racial Studies**, 39(10), 1738-1754.

